

مدیر کل

جلال‌الدین الحسینی مؤید الاسلام
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی
ویومه (جلالتین)
(عنوان مراسلات)
طهران خیابان لاله زار
ایب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
غیر از روزهای جمعه همه روزه
طبع و توزیع میشود

یومه

سپهرالملکین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراك سالیانه

طهران ۴۰ قران
سایر بلاد داخله ۴۵ قران
روبه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک
(قیمت يك نسخه)
در طهران يكصد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است
اعلان سطری دو قران است

(روزنامه یومه منی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه)
(بامضا قبول و درانتشار اداره آزاد است و مطلقاً مسترد نمی شود)

شنبه ۲۵ صفر ۱۳۲۶ هجری قمری ۸ فروردین ماه جلالی و ۲۸ مارس ۱۹۰۸ میلادی

(کشف وقایع سرحدی)

خاطر محترم مشترکین کرام مستحضرات که اخبارات
هایله سرحد آذربایجان بانواع مختلفه متضاده شایع و متن
واقع و حقیقه امر غیر معلوم بود علیهذا برای اینکه خاطر
محترم مشترکین عظام را مسبوق بحقایق ما وقع بنمائیم از
چند نفر آقایان موثق و معتمد ساکن آنسلمان تمنا
نمودیم صدق و حقیقه امر را تحقیقاً و تدقیقاً اشراف فرمایند
جوابی که از آن معتمدین رسیده عیناً در چند ترمه متوالی
مندرج می داریم

بعد العنوان مراتب ظهور واقعه ناکوار سرحد
آذربایجان را استعلام فرموده بودید حسب الفرموده اجمالاً
زحمت افزا میشود چندسال قبل که جمفر آقای شکاک را
بسوء تدبیر در تبریز مقتول نمودند تمام رؤسای طوایف
ایلات که اغلب تسنن مذهب هستند بکلی از دولت ایران
رنجیده و مأیوساً با مأمورین عثمانی سازش کرده بلا مانع
وزنه و لاهیجان را بتصرف مأمورین عثمانی دادند چنانچه
اطلاع دارید رجوع فیصله امر بکمیسون بی نتیجه گردید
عدم قصور نتیجه بر حسب تزیاید تجری رؤسای عشایر
شده بر مزید توافق خود با مأمورین عثمانی فزوده بالصراحته
آنها را دعوت بتجاوزات سرحدی نمودند و تا دو فرسنگی
ارومیه عساکر عثمانی را آوردند محمدفاضل پاشای چاچان
که در مقابل اینهمه تجاوزات خود مانعی ننید بیابمالی
اظهار داشت اگر بازده طابور عسکر بر قوای فعلی فزوده
شود متضمنم که لوای عثمانی را دو ماهه در عرشه ارك
طهران بیفرارم بموجب امر بابمالی عطف عنان بیجان
ساوجبلاغ نموده و محرك سوار و پیاده مامش . و منكور .
و كورك . و سردشتی . و قرا باق . و دهبکری . و قم قلمه .

و طایفه زودی و بیکزاده ها گردید قریب هیجده هزار سوار
و پیاده که اغلب دارای تفنگ پنج تیره بودند صفحه
ساوجبلاغرا مرکز جولانگاه شقاوت و مضرب خیام
قساوت خود نمودند

فرمانفرما مطلع گردیده با قلیل سوار و پیاده در
کال تهور با اینکه هوا بدرجه سرد بود که مافوقی بر آن
متصور نمی شد بنهایه عجله بیاندو آب وارد و حکم باحضار
سوار و عساکر آذربایجان نموده هر قدر استعداد
از دولت نمود و اهمیت موقع و مورد را بعرض اولیای
دولة رسانید مساعدت کافی و وافی که از طرف اولیای
دولة باید ظاهر شود بمنصه ظهور نرسید ناچار از راه
ملایت در مقام چاره بر آمد بهر نحو که بود تا بیکدرجه
کامله عشایر را ساکت و رفع غایبه را از ساوجبلاغ نمود
با یزید آقا مجدداً عشایر را تحریک نموده بصفحه ساوجبلاغ
حمله نمودند فرمانفرما با سه هزار سوار و پیاده و چهار
عزاده توب درموقعی که برف از زانوی اسب تجاوز داشت
بعجله هر چه تمام تر هشت فرسخ راه را پیچوده ساوجبلاغ
وارد و هر قدر بجهتات عمی خواست عشایر را ساکت
نماید (بر سنک خاره قطره باران اثر نکرد) در روز
ششم ذیحجه عشایر طایفه سیدی را برسات نزد اهالی
ساوجبلاغ فرستادند که فرمانفرما را از شهر بیرون کنید
و الا حاضریم شهر را قتل و غارت نمائیم چون در بدو
ورود فرمانفرما بکفایت عقی اهالی شهر و رؤسای ساوجبلاغ
را نوعی رو بخود کرده که تماماً بکلام الله قسم خوردند
که ناقطره آخر خون خود را فدای حفظ وطن خود نمایند
لهذا جواب خینی سخت به سید داده از رجعت
سید چیزی نکذشت که قریب ده هزار سوار قلهای کوماطراف

۴۰ قران
۴۵ قران
۱۰ منات
۳۰ فرانک

نسخه

سد دینار

شاهی است

قران است



جده هزار سوار

بودند صفحه

ضرب خیام

در پیاده در

ما فوقی بر آن

و حکم باحضار

دعای استعداد

رض اولیای

برف اولیای

ناچار از راه

بود تا یکدرجه

سوار جیلاغ نمود

چه سوار جیلاغ

پیاده و چهار

ب تجاوز داشت

سوار جیلاغ

بر را ساکت

در روز

تزد اهالی

بیرون کنید

چون در بدو

ای سوار جیلاغ

قسم خوردند

ن خود نمایند

ده از رجعت

ای کوم اطراف

سوار جیلاغ را که تماماً مشرف بشهر بود گرفته و در کال جلادت و جبارت حمله بشهر آوردند فقط سوار و پیاده منکور و ماش و پیران مرکز توقف فرما فرما را بحد نظر گرفته در مقام سوء قصد در جان مشار الیه بر آمدند و مثل باران کلوله با اهالی سوار جیلاغ می بارید فرمانفرما فوراً قطار فتنک بسته سوار و سرباز معلوم الحال را که قلم از تصریح و تشریح حالت آنها بشرف اندر است بنقاط لازم مامور از روی تقسیم هندسی دائره وار منقسم و امر بدفاع داده و خودش دو عراده توپ را میزان نمود و بتو بیچیا امر آتش دادن مینمود کلوله بتو بیچی خورد و از یا در آمد فرمانفرما تو بیچی را نزد جراح فرستاد و خود بقراولی و آتش دادن توپ مشغول گردید

(تا نیند کسی این حال که من می گویم)

(نکند فهم نداند چه سخن می گویم)

در طرف دیگر که سعید السلطان مراقب توپ دیگر بود کلوله خورده از یا در آمد بعد از دوازده ساعت که آتش حرب مشتمل و از دود تنگ و توپ چون شب تیره و تار بود عاقبت از عشار طایفه بسیار قتل و مجروح و متمم فرار نمودند ولی عمر آذوقه بر اهالی سوار جیلاغ از همه طرف بسته و هم از روز بنه و آذوقه که از میان دو آب بسا و جیلاغ با هشت هزار تومان پول می آوردند تماماً را غارت حتی قاطر و شترها را برده و تمام قاطرچی و سار بانها را قتل نمودند بمجر دیکه محمد فاضل پاشا اطلاع از شکست ا کرد حاصل نمود فوراً کاغذی بسردار محمد حسینخان و محمد صالح خان و شیخ علیخان و حاجی کاکانه و عبدالرحمن بیگ نوشت که بقریه دهکری برای مشاوره حاضر شوید همچنین بایزید آقا کاغذی بسردار مگری و اعظام الملک و حاجی عبدالرحمن و رشید خان و سایر طوایف بیکرا ده نوشت و امهارا بقریه دهکری دعوت پس از حضور و مشاوره بلا درنگ محمد فاضل پاشا با هزار نفر عسکر که تماماً دارای تنگ ده تیره بودند با فضا صام شش عراده توپ و پانزده هزار سوار و پیاده عساکری بکوسه کاریزه سه فرسخی سوار جیلاغ نزول نمودند روز بیشنبه ۱۹ ذی حجه فرمانفرما کاغذی بتوسط یار محمدخان قزاق بمشار الیه نوشت و عله تجاوز و تخلفی را استوال نمود و جواب کتبی سخت شنید مجدداً بتوسط یار محمدخان و میرزا مصطفی خان مترجم ترکی بمشار الیه نوشت پیغام داد اگر جنگ دولتی دارید اعلان نمایند و الا این تجاوز شما بهیچ قانونی درست نمی آید

محمد فاضل پاشا جواب داد که اعلان جنگ مصرح تراز این است که با بیست هزار سوار و سرباز و شش عراده توپ به نیم فرسخی سوار جیلاغ آمدمم و اگر تا

شش ساعت دیگر سوار جیلاغ را تخیله نمایند امشب با تمام این اجماع بسا و جیلاغ حمله می نمایم و بعد اغلب از اهالی اردوی عثمانی را حکم نمود بیوسف کند نیم فرسخی سوار جیلاغ وارد و خود پاشا در کهریزه مینا آقا که یک ربع فرسخ فاصله بسا و جیلاغ دارد با تمام قوای عسکری وارد شد اهالی سوار جیلاغ که مشاهده بخارا نمودند بجهت فرمانفرما پیغام دادند که ما تا این درجه حاضر نیستیم که توپ بسا و جیلاغ ببندند و تحمل کنیم از طرف اهالی سوار جیلاغ بکل مایوس امر به تشکیل کمیون نظامی شد بهادر السلطنه و نصرة الملک و سالار مظفر و سالار معزز و بهادر الملک و هزارالدوله و سالار افشار و شجاع الملک و شهاب الملک و شجاع لشکر و غیره حاضر شده و با کثرت بعهت نداشتن فتنک بقدر کفایت و بجهت فقدان آذوقه و بدلائل متعدده دیگر کتباً رأی خود را بمهور و تقدیم فرمانفرما نمودند که بهر جهت مجبور به تخیله سوار جیلاغ هستیم

این عنوان رؤسای نظامی بر تراید یاس فرمانفرما افزوده و از طرف دیگر عساکر عثمانی و سوار و پیاده عشار خود را بقرب قلعه سوار جیلاغ رسانیدند و از قراریکه این بنده اطلاع محرمانه حاصل نمود از مراکز دواثر طهران تعلیمات فرمانفرما داده بودند همینکه عساکر عثمانی حمله بسا و جیلاغ آورده و نزدیک شدند سوار جیلاغ را تخیله نمایند و باطناً فرمانفرما مسبوق بتوانین بین الملل بود که عنقریب بحکم کلیه دول متحابه دوله عثمانی را مجبور تخیله سوار جیلاغ خواهند نمود معذک کل بنهایت اجبار و اکراه از سوار جیلاغ خارج و عزیمت میانداد نمود هنوز تمام عساکر از شهر خارج نشده بودند که عساکر عثمانی ورود داده لوای ماه و ستاره بر سره دروازه افراشتند در این موقع برای مزید اطلاع جناب عالی حکمت پو لبکی این اقدام دوله عثمانی را عرضه میدارد پس از اینکه بدوله روس از جنگ شرق اقصی شکست فاحش رسید دوله عثمانی بخمال استرداد غرامت که در جنگ سی سال قبل بدوله روس داده بود اقتاد برای مزید قوای حریبه لازم دید عشار سی مذهب خنک آذربایجان را که از وجود آنها چهل هزار سوار و بیست هزار پیاده جرار می توان بقوای حریبه بیفزاید لازم دید محل سکونت آنها را تصرف و تمام آنها را در تحت فرمان وردیف دوله عثمانی در آورد

برای حصول این مقصود چاره جز تولد اقدامات مزبوره ندید و منظورش از تمام این اقدامات حصول یکی از دو نتیجه پو لبکی بود اولاً شاید بتواند بلطایف الحیل رئیس اردوی ایران را

فرب داد از طرف رئیس اردوی ایران مبادرت بحاربه شود تا بموجب قوانین بین دول مسئولیت ظهور جنک را بمهده مامورین ایران مسلم داشته و رسمیت بحاربه را تکمیل نموده تا هر نقطه که بتواند خاک آذربایجان خاصه کردستان را تصرف و عشایر جرار آن سامان را جزو قوای حریبه نموده در موقع ظهور جنک بادولت روس از وجود آن عشایر نتایج خبی حسنه مفیده حاصل داد .
ثانیاً بموجب معاهده جدید بین روس و انگلیس دوله عثمانی ایران را تقسیم شده فرض مینمود و چنان بلوح ضمیرش ثابت بود هر گاه یک جزء از قسمتی را که در تقسیم معاهده جدید بروسی واگذار شد تصرف دارد روسها بادولت عثمانی شرف خواهند شد شاید در این موقع ضعف حالت دوله روس بهانه تحمیل نموده بتواند بقوه تدافع غرامت جنک سی سال قبل را مسترد دارد
سیاسون دوله روس از این ضمیر مکتونه دوله عثمانی مستحضر شده شاهدین مدعی آن است از ساعتی که دوله عثمانی شروع تجاوزات خاک ایران نمود آناً قاناً بر استعدادات کامله مهمه حدرد قارص و غیره فرود و همچنین دوله روس عساکر قفقاز را بسرحد آذربایجان کبیل نمود لیکن چیزی که از این دو منظور اصی دوله عثمانی را بکلی محروم و حرارت مزاج محمد فاضل پاشا را به پروت مبدل و آب سرد باتش گرم آنها ریخت پولتیک دانی و حسن سیاست فرمانفرما بود که در تمام این حرکات شطرنجی مامورین دوله عثمانی قدرخردی استمساک رسمی نگذاشت بچنک آورده و مقاصد فاسده خرد را حاصل دارند
این مطلب طرف تصدیق حسان عالم است اگر غیر از فرمانفرما دیگری متصدی این امر مهم بود بلا تردید بفریب اجانب جنک ایران و عثمانی رسمیت پیدا کرده و شیرازه کلیه امور مندرس و بجهت تصرفات اجانب طماع نیز وسعت ممرحاصل و بکلی زمام امور کبیخته آنچه دروهم ناید تجسم و وقوع حاصل مینمود از راه انصاف عرض مینماید بحمد الله تعالی بدون هیچگونه مخاطره ساوجبلاغ هم در این دو روزه تخلیه تمهیدات رفع خبائث وجود عساکر و عشایر متجارب گردید علی هذا بر تمام مله ایران فرض است که وجود فرمانفرما را مغتنم شمارند و حقوق مشارالیه را کاملاً منظور دارند و این اثرات مفیده که از عقل ایشان تراوش نمود در تاریخ ایران درج و سرمشق سیاسون قرار دهند انشاء الله در آینه وقوعاتی که ظاهر گردد بعرض میرساند

(واپورت استراباد)

۲۳ شهر محرم اردوی کیوان شکوه از محل خود

که اول خاک جعفرنای بوده حرکت بطرف حدود طایفه دازویانقه نموده طویف ضاله بواسطه مرزهی هائیکه کرده بودند ترسیده بل را که عبورگاه اردو بوده خراب می نمایند اردو که نزدیک بل می رسد و بل را خراب دیده بانکه مکان نامواری بود ناچار در همان نقطه توقف می نمایند حضرت سپهدار بقدر هزار نفر سوار و پیاده را از میان اردو انتخاب نموده از زیر حد بل راهی پیدا کرده خودشانرا بانطرف بل می رساند ترا که هم قریب دو هزار سوار در جلو اردو مواظب بودند همین که دیدند سوارو پیاده خود را از آب کدواتیده عمماً قریب دستگیر خواهند شد بنای شلیک تفنگ را می گذارند سوار و پیاده اردو هم مشغول تیر اندازی می شوند از اردو هم مشغول ساختن بل شده اذان صبح بل تمام می شود تمام اردو بطرف یموت هجوم آورده اطراف یموت را احاطه می نمایند تقریباً شش ساعه طول کشیده که سوار اشرار مقاومت نیارده فرار می نمایند سوار اردو هم تعاقب می کنند دو فرسخ یموت را عقب نشانیده چهل آلابتیق آنها را اتش داده در همان سکر و مکان تراکه توقف می نمایند افسوس که قبل از وقت اسباب آلابتیق را خودشان برده بودند از قرار معلوم دو اسب و دو سوار از طرف اردو تیر گرفته کشتار یموت معلوم نیست چرا که مرده خود را در میدان جنک نمی گذارند مع ذلک دو نفر کشته آنها زمین مانده بود که سوار هاسر آنها را جبهه سپهدار آوردند گویا کشتار آنها زیاد بود که فرصت جمع آوری را نکرده اند از نصف شب ۲۳ که صدای توپ و تفنگ به شهر و اطراف دهات رسید فوراً زیاده از دو هزار نفر پیاده جنک دیده دلیر بامداد اردو رفته و نیز از دهات اتصالاً پیاده بار دو ملحق میشود حضرت سپهدار تلکرافا جناب آکرم الملک را با سوار از فندرسک احضار فرمودند جواب دادند دو روزه خودم با هزار سوار و پیاده بار دو ملحق خواهم شد دو روز قبل هم هفت نفر اسیر از کولان بتوسط سرکار علی کبر خان سرتیب مسترد و ارسال داشته بودند
الحق حضرت سپهدار داد مردانگی و وطن پرستی را داده در این هوای سرد و ریختن کلوله و رندل که مثل تکرک بطرف اردو می آمد شخصاً سوار شده با کمان دل گرمی و مهربانی مردمرا تشویق می کردند خداوند وجود امثال این گونه اشخاص غیور و وطن پرست را همواره محفوظ فرماید (محمد رضا)

(مکتوب از قان)

خدمت مدیر خریده مقدسه بومیه حبل المتین
نمره ۲۱۴ جریده مقدسه را زیارت میگردم در تحت مقاله
پریشانی اهل قان مطلبی را راجع بخود دیدم که مرقوم

وقته بود
کرفه
دانستم که
لازم دان
عرض
مشبه
قان در
کرده و
اضمحلا
و مطال
کنج
که اسم
حقیر با
توقف
سلوک
وضایت
مامور
که ا
و دیات
که
جا کر را
عدالة
نیست و
میشود
شناخته
مقدسه
اورا
باشد بنده
ینده در
اسباب
و آبرو
احو
عید همای
رسانیده
انجمن و
آمده اند
باماره بدیده

بنا کردند فصل بفصل برای وکلای بلدی اترلی قرائت کردن از طرفین ایرادات گرفته شد سپس فرمان مأموریت خودشان را قرائت نموده هشت نفر از مجاهدین اترلی را بموجب فهرست مأمور بردن برشت بودند فریاد از هر طرف بلند بقدر دو ساعت و نیم از شب رفته بین وکلای بلدی اترلی و مأمورین رشت ایرادات برد و بدل شده حضار هم بصدا آمده اند که اگر فی الواقع این هشت نفر مقصر اند باید در خود اترلی استنطاق شوند یا که شخص راپرت دهند که این فهرست را برشت داده باید معین شود کیست سپس سواد (پروتست) قونسول کری روس را بحکومه رشت در بباب عدم امنه بان تفصیل مفصل قرائت نموده جواب داده شد امروز قانون وزارت خارجه ما در نیامده تا حقوق رعایای خارجه خاصه روس در مملکت ما معین باشد مگر هر چه را معاهده ترکیا نجای حکم میکند باید با آنها رفتار کنیم و آنها با ما رفتار کنند و حدود خود را بدانند (کنایه از این بود که رعیت روس غیر از يك باب خانه برای نشیمن و يك انبار برای مال التجاره زیادترا حق خریدن و اجاره کردن را ندارد) در انجمن بلدی اظهار شده بود که باعث آتش عمارت و و اینکه خود مستبدین و مفسدین بوده اند که میخواهند پناه بدست خارجه بدهند

(اعلان)

(مدرسه اکبر انجمن شاه آباد)

انجمن شاه آباد که مقصود اصلی آن ترویج علوم و نشر معارف است دوره تعلیم و تدریس شبانه ترتیب داده که مر یک از برادران وطن عزیز مایل بوده باشد که بمقتضیات عصر و علوم عادی مستحضر گردد می تواند موافق نظامنامه مخصوص بخوزه مدرسه بجائی اکبر که در همان انجمن است داخل بشود و بدوا باید خود را در گسیون تحقیق انجمن معرفی نموده بعد بلیط ورود و قبول گرفته داخل کلاسها بشود کتاب و کاغذ هم بجائی داده می شود

(اعلان)

حضور مبارک اعضا محترم انجمنهای ملی دامت برکاتهم از روز سه شنبه بیست و یکم شهر صفر المظفر انجمن الفت سمسار خانه در بازار مجلسی برای ذکر مصیبت حضرت خامس آل عبا علیه الاف التجته و التناء منقذ نموده است لذا از حضور مبارک تمام اعضا محترم انجمنها متنی است که ایام مذکوره را بدو لطف فرموده اعضا این انجمن را از تشریف فرمائی قرین امتنان و افتخار فرمائید

(حسن الحسینی الکاشانی)

وقته بود میرزا علی آقا رئیس پست پول و عرایض مردما گرفته علاوه برآنکه نمبر ساند مطالبش را بخاکم میگوید دانستم که این کار کیست و برای چه خیال این مطلب را نوشته است لازم دانست که اسباب مزاحمت و مطلب را با کمال اختصار عرض کنم که حقیقت امر معلوم گشته و بمحضرت عالی مشته نماید

اولا باید جناب عالی بدانید که رئیس پستخانه قانن در آن زمان میرزا محمد علی نام داشت و تقلبات و افرو کرده ولی نه برای خدمت بشوکت الملک بلکه برای محو و اضمحلال شوکت الملک سر یا کتهای مردم را باز کرده و مطالب آنها را از میان برد و چه وجه که این عریضه کنجایش درج تمام مطلب واقعه را ندارد مقصود این است که اسم رئیس پست قانن میرزا محمد علی بود نه میرزا علی آقا میرزا علی آقا رئیس پستخانه پیرچند است که خود حقیر باشم که تقدا مدت هجده ماه است در این بنده توقف دارم و در این مدت به قسمی بامانت و دیانت و حسن سلوک رفتار کرده ام که عموم خلق از دوست و دشمن کمال رضایت را دارند و تماماً یک زبان می گویند تا کنون همچو مأمور امین در ستکاری به پیرچند نیامده و نخواهد آمد که اگر تقدا بخوام شرح درست کاری و صداقت و دیانت خود را از تمام اهالی استشهد کنم ملازم میشوم که نماید احدی از احاد مگر آنکه تصدیق درستی جا کر را بنماید

بهر حال چون بمحمدالله دوره دوره مشروطیه و عدالت و هیچکس از اظهار حرف حساب خود ممنوع نیست و بعباری صادقانه و مقالاتی که در جراند درج میشود فوق العاده باید عقب گیری کرد تا خائن از خادم شناخته شود مستدعی است بعد از درج اینورق در نامه مقدسه امضاء صاحب مکتوب را آشکار و امانت و دیانت او را معرفی فرمائید که اگر او در دعوی خود صادق باشد بنده را مجازات فرمائید تا عبرت سایرین شود و اگر بنده در دعوی خود صادقم او را به مجازات برسانند که اسباب جرئت اینگونه آدم های مفرض بد اصل نشود و آبرو و شرف صاحبان آبرو را به باد فنا ندهند

(علی آقا خادم پست)

(راپرت اترلی)

احوال سوختن عمارت باغ و (وانکه) عید همایون نایب الحکومه اترلی را در پست قبل بمرض رسانیده و دو نفر مأمور از رشت یکی نایب رئیس انجمن و دیگری منشی انجمن بلدی آنجا برای تحقیق باترلی آمده اند و در انجمن بلدی مشغول تفتیش شده اند ابتدا با اداره بلدی اترلی ایرادات وارد آوردند سپس نظامنامه بلدی را